

نگاهی به دستور زبان فارسی سال دوم آموزش متوسطه

عمومی (فرهنگ و ادب) تألیف علی اشرف صادقی و غلام رضا ارژنگ

سازمان کتابهای درسی ایران ۲۵۳۵

کتاب دستور سال دوم آموزش متوسطه عمومی با مقدمه‌ای بی امضاء (۱) در بیشتر از سه صفحه شروع می‌شود که روش پدید آوردندگان در آن توضیح داده شده است. اگر بند آخر این مقدمه (ص ۶) نبود که در آن از پدید آوردندگان با القاب و عناوین یاد شده است گمان نمی‌رفت که این مقدمه جز به دست پدید آوردندگان نوشته شده باشد. به هر حال این مقدمه از آن این کتاب است و کتاب از آن پدید آوردندگان.

روش تألیف این کتاب در این مقدمه بی‌امضاء بر اساس نظریه نقش‌گرائی اندرمارتینه زبان‌شناس فرانسوی نهاده شده است. پس از این اشاره فرق‌های اساسی میان این دستور و «دستورهای گذشته» چنین برشمرده شده است:

۱- در این کتاب برخلاف «دستورهای گذشته» کلمات و عناصر زبان بر اساس نقشی که دارند تعریف شده‌اند نه بر اساس معنی.

۲- زبان در این کتاب به عنوان یک دستگاه مستقل در محدوده خود آن بی‌آمیختگی با عالم خارج و مقولات آن تعریف شده است «در حالی که در دستورهای سابق زبان و عالم خارج به شکل جدائی ناپذیری درهم آمیخته‌اند»

۳- «در این کتاب به شیوه زبان‌شناسان توجه اصلی به نحو و ساختمان جمله بوده و نخستین بحث کتاب ساختمان جمله ساده یعنی کوچکترین واحد ارتباطی زبان قرار داده شده در حالی که در کتب سابق توجه اصلی به صرف و ساختمان کلمه بوده که نسبت به نحو جنبه فرعی و ثانوی دارد.»

اکنون باید دید که مراد نویسنده یا نویسندگان از «دستورهای گذشته» کدام دستورها است؟ آیا مراد همه دستور زبان‌هایی است که پیش از تألیف ایشان نوشته شده است؛ و گویا ظاهراً این طور است. از سوی دیگر آنچه که در مقدمه به نام روش کتاب یاد شده است برای آشنایان با دستورهای زبان فارسی روش ناشناخته‌ای نیست و اختصاص به این کتاب و زمان انتشار آن ندارد. دبیران و شاگردان دوره اول دبیرستان‌ها، استادان و دانشجویان دانشکده‌ها و مدارس عالی سالهاست که با این روش از طریق کتابهای دستور زبان و دستور تاریخی زبان فارسی تألیف‌های استاد دکتر خانلری آشنائی دارند. پس تعبیر «دستورهای گذشته» چه از نظر فرق‌هایی که در مقدمه یاد شده است و چه از نظر مطالب و مباحث و روش بحث نباید شامل تألیفات استاد خانلری شود، ولی در هیچ جای این مقدمه و سرتاسر فصول کتاب که از نظر مطالب و روش در مقایسه با دستور زبان فارسی استاد خانلری، کارش از

مشابهت بسی فراتر رفته است قرینه‌ای بر این مطلب دیده نمی‌شود. به ویژه که در بخشی از این مقدمه آنجا که سخن از ضرورت نگه داشتن اصطلاحات جدید (صفت اشاره، صفت مبهم، صفت پرسشی و دو اصطلاح «نهاد» و «گزاره» می‌رود، این اصطلاحات و بسیاری دیگر از این اصطلاحات را که در مقدمه نام نبرده‌اند اصطلاحات «دستورهای گذشته» دانسته‌اند که در این کتاب با قید «تعریف جدید» نگه داشته‌اند. چنانکه می‌دانیم این اصطلاحات بویژه دو اصطلاح «نهاد و گزاره» نخستین بار به وسیله استاد خانلری پیشنهاد شده است و در کتابهای دستور زبان و تاریخ زبان فارسی به کار رفته است نکته جالب توجه این است که توضیح اصطلاحات «نهاد و گزاره» و اینکه این دو اصطلاح در اصل ترجمه دو اصطلاح «موضوع و محمول» است در این کتاب با اندکی اختصار در عبارت درست همان چیز است که در دی ماه ۱۳۴۲ در سخنرانی استاد خانلری زیر عنوان «روش تازه در تدریس قواعد زبان فارسی» در سالن سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی آن روزگار مطرح و توضیح داده شده است. (۱) در مورد اصل قرار دادن «گزاره» نیز آنچه که گفته‌اند تازگی ندارد (۲) در کتابهای زبان شناسی و زبان فارسی و دستور زبان فارسی دوره اول دبیرستان تألیف های استاد خانلری «گزاره» مهم‌ترین جزء جمله و شناخت هسته گزاره (فعل) پس از تجزیه جمله به دو قسمت نهاد و گزاره بر اجزای دیگر مقدم داشته شده است. (۳)

نقد روش مؤلفان «دستورهای گذشته» که نخست به صرف زبان می‌پرداخته‌اند بی آنکه به بافت هر یک از کلمات زبان در جمله توجه داشته باشند، که از تفاوت های اساسی این کتاب با «دستورهای گذشته» شمرده شده است نیز موضوعی نیست که اول بار مؤلفان متوجه آن شده باشند. این موضوع نیز سال‌ها پیش در همان سخنرانی معروف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. (۴) در مورد فرق دوم نیز نکته‌ای که از پیش مطرح نشده باشد نمی‌یابیم. وضع اصطلاح «نهاد» و اصطلاحات دیگر بوسیله دکتر خانلری با توجه به همین حقیقت بوده است و می‌توان مورد مثال مقدمه «نهاد - فاعل» را در دستور زبان دید. (۵)

نکته مهم دیگر که درباره فرق‌های عمده کتاب با «دستورهای گذشته» در مقدمه بیان شده است توجه اصلی به نحو و ساختمان جمله است که بر اساس این فرق و توجه «نخستین مبحث کتاب ساختمان جمله ساده یعنی کوچکترین واحد ارتباطی زبان قرار داده شده» است و سپس مؤلفان افزوده‌اند که «بدین سبب مباحثی از قبیل صفت، عدد، صفت اشاره و غیره در این کتاب ذیل مباحث اسم آمده است». باید گفت که این گونه توجه چه در بحث و چه در مورد فرق

۱- متن این سخنرانی در کتاب زبان شناسی و زبان فارسی تألیف آقای دکتر خانلری از انتشارات امیرکبیر خرداد ماه ۱۳۴۳ ص ۴۱۵ - ۴۳۹ چاپ شده است.

۲- دستور مؤلفان ص ۷.

۳- زبان شناسی و زبان فارسی ص ۴۲۹ و نیز

دستور زبان فارسی دوره اول بخش ۱ صفحه ۲.

۴- زبان شناسی و زبان فارسی ص ۴۲۱ - ۴۲۵، دستور زبان فارسی دوره اول دبیرستان بخش ۱، ص ۱.

۵- دستور زبان فارسی دوره اول دبیرستان بخش ۱؛ ص ۴۲ - ۴۳ همچنانکه استاد خانلری اشاره کرده‌اند تقسیم جمله به دو قسمت از قدیم رواج داشته است ولی تقسیمی که امروز می‌شود با آنچه در گذشته مورد نظر بوده است تفاوت دارد. زبان شناسی و زبان فارسی ص ۴۲۶.

روش‌های پیشتر با روش جدید، نیز با تفصیل و توضیح کافی هم در آن سخنرانی وهم در مقدمه دستور زبان دوره اول دبیرستان از سوی استاد خانلری به عمل آمده است. (۱) و هم به دلیل همین توجه صفت، عدد و صفت اشاره و... در کتاب ایشان درمبحث اسم آمده است و وابسته اسم دانسته شده است. (۲)

چنانکه دیدیم روشی که در این کتاب پیش گرفته شده است نه تنها بی سابقه نیست بل که اختصاص به این کتاب نیز ندارد و اگر از پس و پیشی در بعضی مباحث کتاب -- درمقایسه با دستور زبان دکتر خانلری -- بگذریم در کلیات مباحث و مسائل کتاب و تمریفات نیز تفاوت عمده‌ای به چشم نمی‌خورد.

البته از فرقه‌های ظاهری که میان این دستور و دستور زبان فارسی دوره اول دبیرستان است آن است که در این کتاب توجه اصلی به ساختمان زبان و قواعد فارسی امروز است که زبان گفتار و نوشتن باهم در آمیخته است و قسمتی از مثالها و همه تمرین‌های کتاب از نثر فارسی معاصر و از آثار نویسندگانی چون یوسف اعتصام الملك، محمد حجازی، مجتبی مینوی، سعید نفیسی، لطفعلی صورتگر، حسنعلی راشد، رضا براهنی، ناصرالدین صاحب الزمانی و دیگران برگزیده شده است که این کار را نیز به حساب نوآوری مؤلفان نمی‌توان گذاشت. در کتاب دستور زبان فارسی برای دوره اول دبیرستان در عین حال که شواهدی از معاصران داده شده است نمونه‌های زیبا و دلنشین و درخور فهم شاگردان دوره اول دبیرستان از پیشینیان نیز آورده شده است.

درست است که زبان فارسی معاصر درباره‌ای از مسائل با زبان فارسی دوره های پیش فرقه‌هایی دارد ولی بسیاری از قواعد صرفی و نحوی زبان از دوره فارسی کلاسیک (از قرن هفتم به بعد) تا امروز ثابت مانده است. گذشته از این‌ها تقسیم زبان به دوره‌های مشخص تاریخی با توجه به عوامل مختلف و بررسی قواعد و تحول آن در هر یک از دوره‌ها نیز که در بند نخست مقدمه کتاب از آن سخن رفته است مانند بسیاری از مطالب دیگر مقدمه پدیده‌ای نیست که پیشتر مطرح نشده باشد. (۳)

از جمله تفاوت‌های دیگر این کتاب با دستور زبان دکتر خانلری یکی هم تقسیم «نهاد» به نهاد اختیاری و اجباری است و مراد مؤلفان از نهاد اجباری «شناسه فعل» است. اندکی پس از این تقسیم همچنانکه در مقدمه «جامه منطق ارسطویی را به قامت علوم جدید گوناگون در آمده» (نه کوتاه آمده) می‌دانند گرفتار دورمی شوند و می‌بینند که «شناسه» همچنانکه زمان، لازم فعل و تعریف آن است می‌گویند که مراد ما از نهاد در این کتاب همان نهاد اختیاری است و «از این پس به جای نهاد اجباری همان کلمه شناسه را به کار می‌بریم» (۴) چنانکه

۱- زبان شناسی و زبان فارسی ص ۴۲۳ - ۴۲۸ و دستور زبان فارسی دوره اول دبیرستان ص ۱ - ۲.

۲- دستور زبان دوره اول بخش ۱، ص ۴ و ۶۶ و بخش ۲، صفحه ۱۵، ۹۰ - ۹۷.

۳- نگاه کنید به تاریخ زبان فارسی جلد دوم ص ۱۰۳ - ۱۲۴

۴- دستور مؤلفان ص ۷ - ۸

ملاحظه می‌شود سخن از « نهاد اجباری» و پذیرفتن اصطلاح «شناسه» (۱) به جای آن بی آنکه کشف تازه‌ای باشد و یا گرهی از کار بکشد در همان جا که مطرح می‌شود همانجا هم ختم می‌شود.

بعضی نکته‌های دیگر

در بحث از جمله‌های چهار جزئی مانند جمله‌های: خنده‌اش گرفت، خوابم می‌برد فعل هائی را که در ساختن این گونه جمله‌ها به کار می‌رود چنین شمرده‌اند: گرفتن، بودن، شدن بردن، زدن. (۲) باید گفت که این نوع فعل‌ها از قدیمترین زمان در آثار زبان فارسی دری به کار می‌رفته است و آنچه مؤلفان در این مورد بررسی کرده‌اند و به آن نام جمله‌های چهار جزئی داده‌اند درست همان چیز است که در بحث از ساختمان فعل ذیل‌عنوای «فعل‌های ناگذر» بررسی شده است و در توضیح‌های مربوط به آن به فراوانی استعمال این گونه فعل‌ها در زبان فارسی امروز با ذکر شواهد اشاره شده است و افعال مورد نظر نیز همان شش فعل است که در دستور مؤلفان آمده است؛ البته با اندکی پیشی و پس‌ی (۳).

آنچه که در دستور مؤلفان دربارهٔ صوت در مبحث (شبه‌جمله) گفته شده است (۴). همان مطالبی است که در دستور زبان دورهٔ اول دبیرستان دربارهٔ جمله‌های تعجیبی آمده است که در حالات خاص روحی به جای جملهٔ تعجیبی یکی از اصوات به کار می‌آید و این اصوات از اجزای جمله شمرده نمی‌شود بل که هر کدام به تنهایی جانشین جمله‌ای شمرده می‌شود (۵). جمله در دستور مؤلفان به خبری، التزامی و امری تقسیم شده است و جملهٔ خبری این چنین تعریف شده است: «جملهٔ خبری جمله‌ای است که نه امری باشد و نه التزامی و پرسش را نیز نرساند» (۶). و در دستور زبان دورهٔ اول دبیرستان جمله به خبری و پرسشی امری و تعجیبی تقسیم شده است (۷). مؤلفان جملهٔ پرسشی را جزو جمله‌های خبری و التزامی به شمار آورده‌اند و با آنکه در تقسیم نخست از جملهٔ پرسشی نام نبرده‌اند بعداً آنرا تعریف کرده‌اند (۸). و همچنانکه جملهٔ پرسشی را جزو جمله‌های خبری و التزامی آورده‌اند جملهٔ تعجیبی را نیز جزو جمله‌های خبری شمرده‌اند با این تفاوت که آهنگ و تکیهٔ این جمله‌ها با جمله‌های خبری فرق دارد (۹). باید گفت که جمله‌های پرسشی و تعجیبی همچنانکه از نظر آهنگ با جمله‌های خبری و التزامی فرق دارد از نظر مورد استعمال نیز تفاوت دارند؛ وجه

۱- باید یادآوری کرد که اصطلاح «شناسه» نیز اول بار به وسیله استاد خانلری وضع و پیشنهاد شده است و مؤلفان فراموش کرده‌اند که بگویند این اصطلاح را نیز از دستورهای گذشته پذیرفته‌اند ولی از تو تعریف کرده‌اند (۱)، زبان شناسی و زبان فارسی ص ۴۳۲.

۲- دستور مؤلفان ص ۱۵-۱۷. ۳- ساختمان فعل ص ۹۷-۱۰۳.

۴- دستور مؤلفان ۱۸-۱۹. ۵- دستور زبان فارسی دورهٔ اول ص ۲۰-۲۱.

۶- دستور مؤلفان ص ۲۳، این هم نوعی تعریف است و اشکالی هم ندارد چرا که مؤلفان

در مقدمه از گرفتار دور شدن در تعریف‌ها یاد کرده‌اند.

۷- دستور زبان دورهٔ اول ص ۱۰-۱۱.

۸- دستور مؤلفان ص ۲۴-۲۵. ۹- همان کتاب ص ۲۷.

مهم افتراق جمله‌های پرسشی و تعجیبی از جمله‌های اخباری و التزامی آن است که هر جمله پرسشی می‌تواند اخباری یا التزامی باشد ولی هر جمله اخباری یا التزامی لزوماً پرسشی نیست و همینطور هر جمله تعجیبی می‌تواند خبری باشد ولی هر جمله خبری جمله تعجیبی نیست. این اشتباه در تقسیم جمله در کتاب مؤلفان از آنجا ناشی شده است که مؤلفان - همچنانکه خود در آغاز مقدمه ذکر کرده‌اند - زبان‌شناسی را با دستور زبان بی‌توجه به حدود مشخص کننده‌ی اساسی هر کدام از این دو علم با یکدیگر در آمیخته و اشتباه کرده‌اند و به همین سبب نظیر اشتباهی که در تقسیم جمله به خبری و التزامی کرده‌اند در سراسر کتاب هر جا که از روش استاد خانلری - که مبتنی بر قواعد علم دستور زبان است - عدول کرده‌اند به پیراهه رفته‌اند. همچنانکه بیشتر اشاره شد تقسیم جمله در دستور زبان، بر اساس علم دستور زبان بر مبنای نوع استعمال و گونه‌های انتقال مفاهیم خاص مورد نظر اهل زبان از ذهنی به ذهن دیگر استوار است نه بر مبنای ساخت شناسی مجرد آن چنانکه در این کتاب ادعا شده است، اشتباه مؤلفان در تعریف جمله نیز مؤثر از چنین علتی است.

فعل‌های با قاعده و بی‌قاعده

مؤلفان پس از بحث درباره‌ی ماده فعل - که در این بحث نیز تفاوتی میان دستور مؤلفان و دستور دکتر خانلری نیست (۱) - به بحث در افعال با قاعده و بی‌قاعده پرداخته‌اند. در این بحث پس از دسته‌بندی فعل‌ها به دو دسته با قاعده و بی‌قاعده سعی شده است که قواعدی درباره‌ی افعال بی‌قاعده به دست داده شود که هر کدام از این قواعد استثناهایی در پی دارد (۲). به سخن دیگر قواعد به دست داده شده شمول تام ندارد و چون بر همه موارد مصداق نمی‌یابد ناچار با استثناهایی همراه می‌شود و به این ترتیب در حدود هشت صفحه به وضع قاعده‌ها و بر شمردن استثنای اختصاص یافته است و در نتیجه شاگرد بی‌آنکه به قاعده‌ای درست دست یابد دچار نوعی سرگشنگی می‌شود. اصولاً باید دید که بحث تغییرات و ابدال وا کها در پاره‌ای از فعل‌ها را در کجا باید مطرح کرد، در دستور زبان یا در زبان‌شناسی و بحث تغییرات وا کها؟ گذشته از آن این مسئله خود قابل بحث است که آیا در زبان فارسی مانند زبانهای دیگر در قدم اول فعل بی‌قاعده داریم تا آنکه درباره‌ی آن بحث کنیم؟ و تا عده و استثناء بیآوریم (۳).

در بحث از نمود فعل که به ساده و مستمر تقسیم شده است به نوعی فعل در زبان فارسی امروز اشاره شده است که از صیغه‌های فعل داشتن برای بیان استمرار ساخته می‌شود (۴) که این نوع بیان استمرار در زبان فارسی امروز با بیان استمرار در زبان انگلیسی که با (to-be) ساخته می‌شود مشابهت دارد و احتمالاً در اثر ترجمه‌های نادرست از آن زبان در زبان فارسی رواج یافته است. و باید افزود که «داشتن» در بیان معنی استمرار در زبان فارسی دری از آغاز متداول بوده است - البته نه به این صورت نو ساخته - خوب بود مؤلفان در بحث از نمود

۱- نگاه کنید به دستور مؤلفان ص ۳۰ و دستور دوره اول ص ۲۷-۲۸.

۲- دستور مؤلفان ص ۳۱-۳۷.

۳- نگاه کنید به زبان‌شناسی و زبان فارسی ص ۴۳۲-۴۳۴.

۴- دستور مؤلفان ص ۳۹-۴۰.

مستمر اشاره‌ای به وجود این ویژگی فعل داشتن در زبان فارسی دری می‌کردند (۱). مراد از جهت در بحث فعل در این کتاب تعیین چگونگی رابطه فعل با نهاد است که در گذشته این رابطه را با اصطلاح‌های لازم و متعدی می‌شناختیم و در این جا برای بیان این رابطه به جای لازم و متعدی از دو اصطلاح «ناگذر» و «گذرا» استفاده کرده‌اند (۲). و چنانکه می‌دانیم این دو اصطلاح بار اول در کتابهای دستور زبان فارسی و تاریخ زبان دکتر خانلری به کار رفته است (۳) و مؤلفان به هنگام بحث از ننگه داشتن اصطلاحات دستورهای گذشته ذکر آن را از یاد برده‌اند. در بحث از زمان فعل تفاوت‌هایی میان دستور مؤلفان و دستور زبان دوره اول دیده می‌شود؛ مؤلفان بحث زمان را از مضارع آغاز کرده‌اند و دکتر خانلری از ماضی، تفاوت برگزید در ترسیم زمان‌ها است بر روی خط زمان بر اساس محور حال (یعنی هنگام ادای جمله). در دستور زبان فارسی و کتاب زبان‌شناسی و زبان فارسی زمان گذشته طرف راست محور حال قرار دارد و مضارع طرف چپ؛ ولی در دستور مؤلفان زمان ماضی طرف چپ و مضارع طرف راست محور قرار گرفته است. و این تفاوت بزرگی است (۱۱).

دکتر خانلری سبب قرار دادن زمان گذشته را در طرف راست محور حال با شیوه نوشتن فارسی که از راست به چپ نوشته می‌شود وفق داده است ولی در دستور مؤلفان علتی جز ایجاد فرق، برای آن نمی‌یابیم (۴).

فعل کمکی. مراد از فعل کمکی در دستور مؤلفان همان فعل‌هایی است که در ترکیب با اسم و صفت و قید (۴) و جز آن (۴) فعل مرکب می‌سازد دکتر خانلری این گونه فعل‌ها را برای پرهیز از اشتباه با معین فعل و فعل معین «همکرد» خوانده است (۵) که اصطلاح گویائی نیز است. بهتر نبود ایشان که اصطلاح‌های نهاد و گزاره، صفت پرسشی، صفت عددی، صفت مبهم و گذرا و ناگذر و شناسه و... را در کتاب خویش نکه داشته‌اند این اصطلاح را نیز به کار می‌برند؛ چنانکه دیدیم کار دستور مؤلفان چه در روش و چه در مباحث در مقایسه با دستور زبان دکتر خانلری از مشابهت فراتر رفته است، خواننده آگاه و آشنا با این روش انتظار دارد همچنانکه در مقدمه به توضیح و تبیین روش و فرق‌های این دستور با دستورهای گذشته، برمی‌خورد به ذکر استفاده شدن از این روش و احیاناً مشابهت‌ها (۴) و اختلاف‌ها با دستورهای مشابه نیز برخورد ولی هیچ‌جائی چنین چیزی حتی بر سبیل اشارت نیز نمی‌یابد. و چون در مقدمه کتاب به ضرورت ذکر نام منابع و مأخذ (گرچه بسیاری از آنها به شیوه‌های کهن نوشته شده است) می‌رسد امانت داری مؤلفان را تحسین می‌کند و امیدوار است که در فهرست منابع و مأخذ این تقیصه بر طرف شود ولی در فهرست منابع بیشتر نام مؤلف‌ها و تعدادی مقاله از محققان معاصر و مقالاتشان به زبانهای فارسی و اروپائی به نظرش می‌رسد ولی از استاد

-
- ۱- ساختن فعل در زبان فارسی ص ۴۵-۴۷ و ۷۱-۷۳ . ۲- دستور مؤلفان ص ۴۳ .
 - ۳- ساختمان فعل ص ۹۷ و تاریخ زبان فارسی جلد سوم ص ۱۵ . و نیز برای بحث و مقایسه متعدی کردن فعل‌هایی که از ترکیب یک اسم با شدن، گشتن و گردیدن ساخته شده‌اند نگاه کنید به دستور مؤلفان ص ۴۴ و دستور زبان فارسی دوره اول ص ۷۸-۷۹ و ساختمان فعل ص ۷۴ .
 - ۴- دستور زبان فارسی دوره اول بخش ۱، از ص ۳۴ به بعد و زبان‌شناسی و زبان فارسی ص ۴۳۴، دستور مؤلفان از ص ۵۰ به بعد .
 - ۵- تاریخ زبان فارسی ج ۲ ص ۲۶۸ و ساختمان فعل ص ۲۳-۲۴ .

خانلری و تألیفاتش در این زمینه هیچ‌جا اثری نمی‌یابد و با توجه به مطالبی که در متن کتاب آمده است و ما به پاره‌ای از آن درین نقد اشارت کردیم، در توجیه این عمل درمی‌ماند. مؤلفان بهتر می‌دانند که امروزه از شرایط تحقیق و پژوهش و تألیف یکی آن است که اگر کسی در زمینه‌ای دست به تحقیق می‌زند باید به همه منابع و مآخذ که پیش از او درین زمینه تألیف شده است مراجعه کند و همچنانکه روش‌های مخالف با روش خویش را می‌سنجد و نقد می‌کند روش‌های موافق و مشابه را نیز بررسی کند تا احتمالاً به نکته‌ای که او دست نیافته است و دیگران پیشتر از او دریافته‌اند دست یابد و از سودمندی‌های بسیار دیگر این کار نیز بهره‌مند شود و نیز امروزه رسم بر آن است که چون محقق در زمینه پژوهش مورد نظر به کتاب یا کتابهایی مراجعه کرد هم برای اطلاع دیگران و هم برای نشان دادن زحمتی که در مراجعه به منابع و مآخذ مربوط به پژوهش خود کشیده است منابع و مآخذ را معرفی نماید حتی اگر یک کلمه از آنها در کارش - چه پنهان و چه پیدا - استفاده نکرده باشد تا چه رسد به اینکه از آن منابع و مآخذ سود جسته باشد.

از همان سالهایی که تدریس دستور زبان فارسی با روش نو تألیف استاد خانلری در دوره اول دبیرستان تصویب شد تا همین اواخر که دستورهای زبان با روش کهن در دوره دوم تدریس می‌شد - در دبیرستانهایی که به روش پیش از پدید آمدن دوره راهنمایی هنوز سالهای آخر را می‌گذرانند تا کنون تدریس می‌شود - و در همین حال دستور زبان و تاریخ زبان استاد در دانشکده‌های ادبیات تدریس می‌شود در میان سه سال اول دبیرستان و سالهای دوره لیسانس جای دستور استاد خانلری یا دستورهایی که با این روش تألیف شده باشد خالی بود و شاگردان در میان دو روش کهنه و نو سرگشته و حیران بودند، اینک با تألیف این کتاب بر روشی که شاگردان دوره اول دبیرستانها و دانشجویان دانشکده‌ها با آن آشنائی دارند باید برای شاگردان مدارس و دانشجویان فرمای دانشکده‌های ادبیات خوشحال بود که تا حدودی از آن سرگشتگی - البته بی توجه به پاره‌ای اختلاف در اصطلاحات و تغییر لفظ و عبارت در تعریف‌ها و به بیراهه رفتن‌ها - رهایی یافته‌اند.

مشخصات کامل کتابهایی که در پاورقی به آنها استناد شده است

- ۱- دستور زبان فارسی برای دوره اول دبیرستان، تألیف دکتر خانلری، سازمان کتابهای درسی ایران در دو بخش، ۱۳۵۰.
- از این کتاب چنانکه در چاپ اول آن - که بوسیله وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۲ انتشار یافته است - نوشته شده است حق التالیف دریافت نشده است و به رایگان در اختیار وزارت آموزش و پرورش گذاشته شده است.
- ۲- تاریخ زبان فارسی، تألیف دکتر خانلری از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران جلد دوم تابستان ۱۳۵۲ جلد سوم ۱۳۵۴.
- ۳- ساختمان فعل، دکتر خانلری، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران تابستان ۱۳۴۹.
- ۴- زبان‌شناسی و زبان فارسی، دکتر خانلری، انتشارات امیرکبیر خردادماه ۱۳۴۳ باید یادآوری کرد که متن سخنرانی استاد خانلری که در این نقد بارها بدان استناد شده است در سال ۱۳۴۲ نخستین بار در مجله آموزش و پرورش چاپ شده است.